

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه 20، دارایی‌ها و آذوقه

لوقا 12: 13-34

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دانیل دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه بیستم، دارایی‌ها و تدارکات، لوقا است. ۱۲:۱۳-۳۴

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

در سخنرانی‌های قبلی، به برخی از آموزه‌های عیسی مسیح نگاهی انداختیم و بخش پایانی جلسه گذشته درباره آمادگی برای شاگردی صحبت می‌کند. همچنان که به سفری که عیسی مسیح در لوقا، فصل ۵، آغاز کرد و به سمت فصل ۹، آیه ۵۱، به سمت اورشلیم می‌رود، ادامه می‌دهیم، شاهد آشکار شدن چند نکته در این سفر از جلیل به سمت اورشلیم خواهیم بود. در آن روایت سفر، به شیوه‌ای که لوقا روایتی را که ما را به این جلسه می‌آورد، ترسیم می‌کند، من جلسه گسترده‌تر را به آمادگی برای داوری آینده اختصاص داده‌ام.

اما زیرجلسه‌ای که ما به طور خاص در این سخنرانی به آن می‌پردازیم، جلسه‌ای است که به دارایی‌ها و تدبیر می‌پردازد. بنابراین، بیایید سریع به متن نگاه کنیم. قبل از اینکه متن را بخوانم، می‌خواهم نقشه‌ای به شما بدهم تا در مورد این موضوعی که آن را دارایی‌ها و تدبیر در پادشاهی می‌نامم، فکر کنید.

لوقا توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که در یک رقابت بین عیسی و جمعیتی، شخصی وارد می‌شد و با حرف‌هایش، اگر دوست دارید، مکالمه را قطع می‌کرد و سوالی در مورد ارث می‌پرسید. به نظر می‌رسید این حرف عیسی را تحریک می‌کرد، زیرا عیسی، به عنوان عیسی، به نظر می‌رسید که از درون این شخص و منشأ سوال آگاه بود. بنابراین، اولین بخشی که به آن خواهیم پرداخت، سوال در مورد ارث و نحوه برخورد عیسی با این موضوع است.

همچنین خواهیم دید که چگونه عیسی با ارائه تمثیلی که اغلب آن را تمثیل ثروتمند نادان می‌نامیم، به مسئله مالکیت می‌پردازد. پس از آن، همانطور که متن را می‌خوانم، لطفاً آن نقشه ذهنی را که عیسی در مورد آن صحبت می‌کرد، در نظر داشته باشید. اگر مسئله مراقبت یا نگرانی در مورد نیازهای ما باشد که نیاز یا هوس برای چیزها را برمی‌انگیزد، باید مراقب باشیم که اضطراب را در جای مناسب قرار دهیم. او در ادامه نشان می‌دهد، همانطور که به زودی خواهیم خواند، که در واقع، اگر جایی برای اعتماد به آینده وجود دارد، شاید جایی که باید به آن اعتماد کرد، اعتماد به خداست که توانایی فراهم کردن را دارد.

در آخرین جلسه از این متن خاص، به بررسی این خواهیم پرداخت که عیسی چگونه با به چالش کشیدن حضار، این جمله را به پایان خواهد رساند. اگرچه یک نفر این سوال را پرسیده است، اما چالش او متوجه حضار خواهد بود، که به نظر ما خود حواریون نیز جزئی از آنها بودند، تا به آنها بگویند که در جستجوی والا، باید روی چه چیزی تمرکز کنند. بنابراین، بیایید به فصل ۱۲، آیات ۱۳ تا ۱۵ نگاهی بیندازیم. جلسه‌ای که من در اینجا به عنوان طرح کلی قرار داده‌ام، اولین جلسه‌ای است که در آن جستجوی ارث، عیسی را به صحبت در مورد موضوع حرص و طمع سوق می‌دهد و من از لوقا، فصل ۱۲، آیات ۱۳ تا ۱۵ می‌خوانم.

شخصی از میان جمعیت به او گفت استاد، به برادرم بگو ارث را با من تقسیم کند، اما او به او گفت مردی که مرا قاضی و داور شما قرار داده است، و به آنها گفت، مراقب باشید و از هرگونه طمع دوری کنید، زیرا زندگی کسی به فراوانی دارایی‌اش بستگی ندارد. بنابراین به سطر آخر این گفتار توجه کنید، به نظر می‌رسد که

این سوال قرار است عیسی را وادار کند تا به کل تز اصلی در اینجا بپردازد: زندگی به فراوانی دارایی بستگی ندارد. آنچه به نظر می‌رسد در این متن در حال وقوع است، قابل توجه است

اولاً، وقتی به آیه ۱۳ نگاه می‌کنید، می‌بینید که شخصی که نامش ذکر نشده و نزد عیسی می‌آید، او را معلم یا خاخام خطاب می‌کند، که نشان می‌دهد این شخص اقتدار عیسی را در امور شریعت به رسمیت می‌شناسد. سؤال بعدی همچنین به ما می‌گوید که شخصی که این سؤال را می‌پرسد معتقد است که عیسی داور خوبی در مورد الزامات شریعت خواهد بود و به اجرای شریعت کمک می‌کند. می‌بینید که این مشاهده عیسی به عنوان یک معلم و کسی که اختیار اجرای قوانین وضع شده را دارد، همانطور که در تثنیه و اعداد در مورد ارث برای شما توضیح داده‌ام، باعث می‌شود که عیسی شروع به پرسیدن این سؤال کند که چرا کسی باید نزد من بیاید و در مورد دارایی‌های مادی سؤال بپرسد؟ پیش از این، لوقا به ما گفت که عیسی به وضوح به شاگردان گفت که در امور پادشاهی، باید مراقب و آماده سادگی بود.

امور پادشاهی ربطی به این مفهوم مادی‌گرایانه ثروت‌اندوزی ندارد، یا نیازی به آن ندارد، یا آن را القا نمی‌کند تا بتوان چنین احساسی از اهمیت داشت. حال، از ظاهر امر، باید گفت که این یک سوال مشروع است. در واقع، اگر والدین فوت کرده باشند و اموالی برای برادران وجود داشته باشد و کسی با برادر خود ناعادلانه رفتار کند، چه مشکلی باید وجود داشته باشد که آن شخص نزد عیسی بیاید و بگوید من مرجعی را می‌شناسم که قادر به تفسیر قانون است و این شخص می‌تواند به من کمک کند و از این طریق از عیسی بخواهد که در اجرای قانون کمک کند و برادر را به انجام کار درست وادارد.

در ظاهر، این نباید مشکلی ایجاد کند. خوب، مشکل این است که به نظر می‌رسد عیسی فراتر از این را دیده است. پاسخ عیسی به ما نشان می‌دهد که او فراتر از این سوال، کسی را می‌بیند که لزوماً نیازی ندارد، اما شاید علاقه‌مند به ایجاد نوعی برابری با برادر باشد.

اگر چنین است، پس ما در مورد کسی صحبت می‌کنیم که به اندازه کافی دارد اما بیشتر می‌خواهد. قرار نیست پاسخ عیسی به عنوان تأیید تلقی شود. در واقع، وقتی عیسی گفت مردی که مرا قاضی یا داور بر شما قرار داد، قرار است در انگلیسی به طور واضح تعبیر نشود، بلکه به عنوان سرزنش کسی است که از معلم می‌خواهد کاری را انجام دهد که او طرفدار آن نیست.

وظیفه اصلی او به نام خدا این نیست که درگیر این کار معمول مردم شود که سعی در تخصیص و توزیع مجدد ثروت و دارایی‌ها دارند. عیسی نگران این موضوع برابری است، و بنابراین در اینجا می‌بینیم که عیسی مستقیماً به اصل مطلب می‌پردازد و به این موضوع می‌پردازد. نکته دیگری که باید در گفتار لوقا در اینجا به آن توجه کرد این است.

لوقا، مانند متی، از خدا به صورت خیالی پدر یاد می‌کند و گاهی اوقات از شاگردان تقریباً با زبان برادران یاد می‌کند. حتی تا جایی که وقتی مادر و برادران عیسی نزد او آمدند، لوقا به ما گفت که عیسی می‌گوید کسانی که خویشاوندان واقعی من هستند، به اصطلاح، شاگردان واقعی هستند. اما در اینجا، در این متن، بیایید ببینیم لوقا چگونه این عبارت را بیان می‌کند.

آن کسی که از عیسی پرسید و نامش فاش نشد، به یک برادر اشاره دارد. شخصی که او می‌خواهد خلق کند. حتی در امور مربوط به دارایی‌های مادی، یک برادر است. عیسی به این موضوع علاقه‌ای نداشت.

نه به این خاطر که به خویشاوندی طبیعی علاقه‌ای ندارد. البته که به خویشاوندی طبیعی علاقه دارد. اما به این تجارت دارایی‌های مادی و کمک به مردم برای به دست آوردن دارایی‌های مادی بیشتر علاقه‌ای ندارد.

همانطور که در ادامه خواهیم دید، برای او این یک جستجوی نابجا در زندگی خواهد بود. اگر چیزی برای دنبال کردن وجود داشته باشد، باید چیزی بیش از این باشد، یعنی پادشاهی خدا. این مرا به بخش بعدی متن می‌رساند، که در آن عیسی با علم به اینکه حضار و شاگردان گوش می‌دهند و یک تمثیل ارائه می‌دهند، گفتگو را هدایت می‌کند.

چیزی که ما آن را مَثَل ثروتمند نادان می‌نامیم. و داستان از این قرار است: و او برای آنها مَثَل آورد: زمین مردی ثروتمند محصول فراوان داد.

و با خودش فکر کرد، چه کار کنم؟ چون جایی برای انبار کردن محصولاتم ندارم. و گفت این کار را خواهم کرد. بندهایم را پاره می‌کنم و بندهای بزرگتری می‌سازم.

- و در آنجا تمام غلات و کالاهایم را ذخیره خواهم کرد. به ارجاعات اول شخص، ذهن و چشم توجه کنید. آیه ۱۹.

و به جانم خواهم گفت، ای جان، تو برای سالیان دراز دارایی فراوان اندوخته‌ای. آرام بگیر، بخور، بنوش و شاد باش. اما خدا به او گفت، ای احمق، امشب جانم از تو و آنچه فراهم کرده‌ای گرفته می‌شود، پس از آن که خواهد بود؟ چنین است کسی که برای خود گنج می‌اندازد و نزد خدا ثروتمند نیست.

در اینجا، آنچه را که ابتدای این پاراگراف می‌خواهد منتقل کند، خواهید یافت. اگر آن مرد اینقدر به دارایی‌های مادی علاقه‌مند است، عیسی سعی دارد بگوید، مراقب باشید که اولویت‌های خود را در زندگی کجا قرار می‌دهید. از این رو این مَثَل را آوردم.

من دو نکته را از این مَثَل برجسته خواهم کرد. اول، به برخی از مشاهدات کلیدی که باید از این مَثَل خاص به دست آوریم، اشاره خواهم کرد. و سپس، به برخی از درس‌هایی که باید از این مَثَل بیاموزیم، اشاره خواهم کرد.

حالا، بیایید به بررسی برخی از مشاهدات کلیدی در این تمثیل بپردازیم. پنج نکته. در این تمثیل، کم‌کم متوجه می‌شویم که مالک ثروتمند زمین، ناشناس است.

و این زمین‌دار ثروتمند گمنام از میان جمعیت آمد. همچنین از این مَثَل متوجه می‌شویم که لوقا می‌خواهد تأکید کند که عیسی به طور خاص به این نکته اشاره کرده است که این زمین است که محصولات زیادی تولید می‌کند. این زمین‌دار نیست که محصولات را تولید می‌کند.

گفتن اینکه زمین در دنیای کشاورزی محصولات زیادی تولید می‌کرد، به این معنی است که خدا باران را نازل کرد. خدا زمین را حاصلخیز ساخت. خدا این مرد را برکت داد تا محصولات فراوانی داشته باشد.

بنابراین، اگر زمین این محصولات را تولید کرده است، چرا این تأکید، تأکید مکرر روی من وجود دارد؟ وقتی به آمریکا آمدم، یاد گرفتم که بعضی‌ها می‌گویند چیزی می‌گویند که بر من، من، و خودم تأثیر می‌گذارد یا چیزی که بر چیزی که من آن را فلسفه‌ی من‌گرایی می‌نامم تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد که این مرد آن را به اجرا گذاشته است.

اما تمثیل لوقا در اینجا چیزی را به ما یادآوری می‌کند. نه، این مرد نبود که محصول تولید می‌کرد. این زمین بود که محصول تولید می‌کرد.

نکته‌ی دیگری که اینجا متوجه می‌شویم این است که این مردی نیست که زمینش به اندازه‌ی کافی محصول نداده باشد. عطش او برای بیشتر، زاده‌ی فراوانی بود. در واقع، این واقعیت که او از زمینش بیشتر می‌دید، دلیل بیشتر خواستن اوست.

و بنابراین، او به این تفکر تقریباً استراتژیک روی آورد که بگوید، بله، من به اندازه کافی دارم. و چون به اندازه کافی دارم، اکنون گام‌های محاسبه‌گرانه برمی‌دارم تا بتوانم برای افزایش محصولم و داشتن یک زندگی خوب، تدارکاتی بیندازم. می‌بینیم که حتی در این تمثیل، او این مشاهده را با تأکید بر خود آغاز می‌کند.

وقتی با خودش مشورت کند، خواهد گفت: «من این را برای خودم خواهم ساخت، و موانع را از بین خواهم برد، و بیشتر خواهم ساخت، و محصول بیشتری خواهم برداشت.» حال، توجه کنید که لوقا در این مثل به ما می‌گوید که وقتی در مورد افزایش در آینده صحبت می‌کند، آن را به «خود» نسبت می‌دهد. اما در ابتدای مثل، این زمین بود که محصول می‌داد.

بنابراین، شما شروع به دیدن برخی از پویایی‌های جالب در این تمثیل و روایت می‌کنید. شما شروع به دیدن این مرد می‌کنید که می‌گوید، همه چیز مربوط به من است. من آن را از بین خواهم برد.

و رو به خودش کرد و گفت، می‌دانی چیست؟ حالا می‌گویم که می‌توانم استراحت کنم. می‌توانم غذا بخورم. می‌توانم بنوشم.

من می‌توانم زندگی خوبی داشته باشم. عیسی این مثل‌ها، این مثل خاص، را در پاسخ به سوال مردی از میان جمعیت که گفت، استاد، آیا می‌توانی به من کمک کنی تا سهم دارایی‌ام، سهم ارثم را از برادرم بگیرم، بیان می‌کند؟ این احتمال وجود دارد که عیسی از قبل می‌دانسته که این مرد به اندازه کافی داشته است. همچنین این احتمال وجود دارد که عیسی از این موضوع آگاه بوده باشد که در میان جمعیتی که با آنها صحبت می‌کرده، افراد بی‌شماری وجود خواهند داشت که به نظر می‌رسد انگیزه‌های مشابهی دارند، اینکه هر چه بیشتر داشته باشند، بیشتر داشته باشند.

هر چه بیشتر داشته باشند، اعتماد به نفس بیشتری بر اساس پیش‌بینی‌های نادرست ایجاد می‌کنند. حس اعتماد به نفس کاذبی که می‌گوید من آینده را در دست دارم. من تشخیص خواهم داد که آینده چگونه پیش خواهد رفت و مسیر آینده را تعیین خواهم کرد.

می‌بینید، عیسی اینجا به نکته‌ای اشاره می‌کند. در پادشاهی خدا، این طور نیست که به مردم اجازه دهید شما را مورد آزار و اذیت قرار دهند و از آنچه متعلق به شماست سوءاستفاده کنند. نه، منظور عیسی این نیست.

عیسی قرار است در مورد مسائل مربوط به اولویت در زندگی نکته‌ای را بیان کند. چه درس‌هایی می‌توانیم به سرعت از این متن خاص بیاموزیم؟ در اینجا، نکات جالبی را می‌یابیم. در ظاهر، ممکن است فکر کنید که صاحب زمین یک متفکر استراتژیک بوده که فقط در مورد پیش‌بینی می‌داند و می‌خواهد مطمئن شود که برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند.

در واقع، من که در یک خانه‌ی تجاری بزرگ شده‌ام، در ظاهر، وقتی این متن را می‌خوانم، می‌گویم، وای، این کاری است که یک متفکر تجاری خوب قرار است انجام دهد. من بیشتر دارم و می‌توانم در آینده بیشتر هم دربیآورم. بنابراین، شرایط را فراهم می‌کنم.

به این می‌گویند پیش‌بینی. اگر بتوانید پیش‌بینی‌های خوبی برای پیش‌بینی‌تان داشته باشید و برنامه‌هایتان را به خوبی اجرا کنید، می‌توانید با حداقل غافلگیری، به راحتی به سمت آینده حرکت کنید. اوه، بله، این تفکر تجاری خوبی است.

آن دسته از شما که صحبت‌های من در مورد رهبری را در پلتفرم‌های مختلف شنیده‌اید، می‌دانید که من اینگونه رفتار می‌کنم. اما می‌بینید، من هم مثل اکثر شما متوجه می‌شوم که وقتی وارد این طرز فکر می‌شویم، دچار این مشکل می‌شویم که انگار... حتی در مواردی که باید کاملاً به خدا و اصول پادشاهی تکیه کنیم، به نوعی کنترل داریم.

چقدر می‌توانیم آینده را کنترل کنیم؟ زندگی بسیاری از ما را شگفت‌زده کرده است. گاهی اوقات، این اتفاق دو دقیقه پس از یک ادعای بزرگ رخ می‌دهد. گاهی اوقات، یک روز پس از طرح یک ادعای بزرگ.

ما تمام تلاشمان را می‌کنیم، اما منظور عیسی این نیست. منظور عیسی تمرکز بر پادشاهی است. خب، برخی از درس‌های اینجا چیست؟ اول، متوجه می‌شویم که این مرد بر خود تمرکز می‌کند، و تمرکز بر خود در افرادی ایجاد می‌شود که به نظر می‌رسد این اشتیاق، این انگیزه را دارند که بیشتر داشته باشند.

اما همه ما باید بدانیم که تمرکز روی خود، معمولاً وقتی صحبت از مسائل مربوط به مالکیت می‌شود، یک سیستم اعتقادی اشتباه است. من همین دو روز پیش با کسی صحبت می‌کردم و به او یادآوری کردم که هر زمان که روی خودمان تمرکز می‌کنیم، در نهایت خودمان را منزوی می‌کنیم و تنها می‌شویم. و اگر برای خودمان وقت نگذاریم، تنها می‌شویم.

تمرکز بر خود تقریباً همیشه ما را از منبع واقعی رزق و روزی و معنای واقعی زندگی باز می‌دارد. باید درک کرد که حماقت این فرد ثروتمند در دوران پیش‌فراوانی نیست، بلکه در تأکید بر خود و استفاده از ثمره‌اش است. از این تمثیل می‌آموزیم که احمق‌ها در فراوانی ثروت به دنبال رضایت هستند.

همانطور که ممکن است به یاد داشته باشید، در همان مراحل اولیه این متن، وقتی آن را خواندم، عیسی این تز را مطرح کرد که زندگی در فراوانی دارایی نیست. به کسی که آمد تا این سوال را بپرسد، این داده شد. پس از آن، این مثل را بیان می‌کنیم.

نکته‌ی عیسی این است که در واقع احمقانه است که فکر کنیم اگر فقط بیشتر داشته باشیم، راضی خواهیم بود. ما زندگی واقعی خواهیم داشت. اما اینطور نیست.

افراد زیادی هستند که ثروتمند و بدبخت هستند. می‌بینید، عیسی می‌خواهد بر این واقعیت تکیه کند یا در این تمثیل بر این واقعیت تأکید کند که شاگردان واقعی برای یافتن گنج‌های خدا فراتر از خود را جستجو می‌کنند. گنج‌های خدا دارایی‌های واقعی هستند که باید برای به دست آوردن آنها تلاش کرد.

به عنوان کسی که به فیلسوفان باستان علاقه دارد و سعی می‌کند آثار فیلسوفان را بخواند و آثار آنها را با پولس مقایسه کند، نتوانستم مقاومت کنم و در حین فکر کردن به این تمثیل، به آثار کسی مانند پلوتارک و دیو کریسوستوم نگاهی انداختم. در مورد پلوتارک، پلوتارک درباره طمع یا حرص و طمع صحبت می‌کند؛ او می‌گوید: «از کسانی که چیزی خرج نمی‌کنند، هرچند دارایی زیادی دارند، اما همیشه در حال ولع بیشتر هستند، درخواست کنید. آنها هنوز هم ممکن است تعجب ما را از حماقت خود افزایش دهند.»

زیرا بدخلقی او فقر و تنگدستی نیست، بلکه میل و عطش سیری‌ناپذیر به ثروت است که از قضاوت فاسد و بی‌ملاحظه نسبت به چیزها ناشی می‌شود، که اگر مانند حلبی که پیچیده شده و آنها را منقبض می‌کند، از

ذهن انسان‌ها بیرون کشیده نشود، همیشه در نیاز به چیزهای اضافی خواهند بود، یعنی هوس چیزهایی را می‌کنند که به آنها نیازی ندارند. نکته پلوتارک تقریباً همان نکته عیسی است. ضمناً، پلوتارک معاصر پولس بود.

نکته او این است که افرادی که حریص هستند و با ولع بیشتر به دنبال آن می‌روند، معمولاً این کار را نه به این دلیل که خواسته‌اند، بلکه به این دلیل انجام می‌دهند که این میل سیری‌ناپذیر برای بیشتر خواستن وجود دارد، حتی اگر کسی به بیشتر نیاز نداشته باشد. او می‌گوید که این حماقت است. به گفته عیسی، این کاری است که زمین‌دار ثروتمند انجام می‌دهد و این همان چیزی است که او را به یک زمین‌دار ثروتمند احمق تبدیل می‌کند.

فیلسوف دیگری که در مورد طمع صحبت می‌کند و من خیلی دوستش دارم، دیو کریسوستوم است که رساله‌ای در مورد طمع نوشته است. دیو با نقل چند خط از کتاب «گفتار ۱۷ خود»، این موضوع را اینگونه بیان می‌کند. او گفت: «من در مورد طمع نیز معتقدم که همه انسان‌ها می‌دانند که به دلیل بزرگترین شرارت‌ها، نه مصلحت‌آمیز است و نه شرافتمندانه، و با وجود همه چیز، هیچ کس از آن خودداری نمی‌کند.» یا مایل نیست که با همسایه خود در دارایی‌ها برابر باشد.

اما، چند سطر پایین‌تر، طمع نه تنها بزرگترین شر برای خود انسان است، بلکه به همسایگانش نیز آسیب می‌رساند. و بنابراین، هیچ کس به راستی برای انسان طماع دلسوزی نمی‌کند؛ همه به او دستور می‌دهند، اما همه از فرد طماع دوری می‌کنند و او را دشمن خود می‌دانند. اشاره عیسی به کسی که می‌خواهد ارث خود را تقسیم کند، با این تصویر واضح در تمثیل، به آن نتیجه در آن جلسه از تمثیل منتهی می‌شود که می‌گوید اما خدا به او گفت، یعنی ای زمین‌دار ثروتمند، احمق، امشب روح تو از تو گرفته می‌شود، و چیزهایی که آماده کرده‌ای، از آن چه کسی خواهد بود؟ پاسخ این است که، از آن تو نخواهد بود.

و سپس، آیه ۲۱، کسی که برای خود گنج می‌اندازد و برای خدا ثروتمند نیست نیز چنین است. او بلافاصله ادامه داد و از آیه ۲۲ به تفصیل به عیسی در مورد دارایی‌ها و آذوقه پرداخت و به شاگردانش گفت بنابراین، به شما می‌گویم، نگران زندگی خود نباشید، تقریباً مثل یک مسابقه‌ی دونفره. اگر در مورد این دارایی و همه چیز صحبت می‌کنید، بگذارید به شما بگویم که واقعاً به چه نوع دارایی نیاز دارید. سپس او به آنچه متی در متی ۷ در کوه، در فصل ۶ ثبت می‌کند، اشاره می‌کند. بنابراین، به شما می‌گویم، او گفت، نگران زندگی خود نباشید، نگران آنچه خواهید خورد، و نه نگران بدن خود باشید، نگران آنچه خواهید پوشید، زیرا زندگی از غذا و بدن از لباس مهمتر است.

سپس، عیسی از مشاهدات طبیعت استفاده می‌کند تا مطمئن شود که توانایی خدا را در تأمین نیازهای کسانی که ممکن است خیلی به آنها اهمیت ندهند، به تصویر می‌کشد. اولین مشاهده از طبیعت، کلاغ‌ها هستند او می‌گوید، کلاغ‌ها را در نظر بگیرید، آنها نه می‌کارند و نه درو می‌کنند، نه انبار دارند و نه طویله، مانند حاکم جوان ثروتمند، مالک نادان زمین، و با این حال خدا به آنها غذا می‌دهد، چقدر شما از پرندگان ارزشمندتر هستید، و کدام یک از شما با نگرانی می‌تواند یک ساعت به طول عمر خود اضافه کند، اگر قادر به انجام کاری به کوچکی آن نیستید، چرا نگران بقیه هستید؟ لوقا در ادامه به مشاهده دوم می‌پردازد: اگر کلاغ‌هایی که چندان مهم نیستند، خدا از آنها مراقبت می‌کند، و شما فکر نمی‌کنید که برای خدا ارزشمندتر هستید که از شما مراقبت کند، و بنابراین نگران تلاش برای کنترل آنچه نمی‌توانید کنترل کنید، هستید، پس مشاهده طبیعت نیز در اینجا ظاهر می‌شود، و این مشاهده‌ای از گل‌ها، نیلوفرها است.

همانطور که روی صفحه می‌بینید، من انواع مختلف سوسن را به شما دادم. آنها مانند پرندگان، بسیار زیبا به نظر می‌رسند. و این نکته‌ای است که عیسی از آیه ۲۷ بیان می‌کند.

به سوسن‌ها بنگرید که چگونه رشد می‌کنند. نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. با این حال، به شما می‌گویم که حتی سلیمان نیز با تمام جلال و شکوهش، همچون یکی از آنها آراسته نبود.

اما اگر خدا علفی را که امروز در مزرعه زنده است و فردا در تنور انداخته می‌شود، چنین می‌پوشاند، چقدر بیشتر شما یا شما کم‌ایمانان را خواهد پوشاند؟ در روایت متی، می‌بینیم که عیسی از متی ۶، از آیات ۲۴ تا بارها و بارها اصطلاحات اضطراب را تکرار می‌کند و از این مثال‌ها استفاده می‌کند. کلاغ‌ها پرندگان، ۳۴ چندان مهمی نیستند. و سوسن‌های وحشی آنقدرها هم مهم نیستند که بخواهید برای آنها پول زیادی بپردازید.

وقتی برای خرید گل به مغازه می‌روم، دنبال گل‌های زیبا می‌گردم، و گاهی اوقات آنها از یک مزرعه می‌آیند کسی زمان زیادی را صرف آنها کرده است. اما گل‌های وحشی، مانند مزرعه صاحب زمین، زمین آنها را تولید می‌کند.

می‌بینید، پرندگان مرموز هستند، اما به آنها غذا داده می‌شود. به عبارت دیگر، خدا به آنها غذا می‌دهد. و عیسی گفت، ببینید، درس‌هایی از طبیعت باید به شما بیاموزد که خدای آفرینش از مخلوقات خود مراقبت می‌کند.

به او اعتماد کن. از این رو، سوال، یا شما، از کم‌ایمانی است. سه نکته قابل توجه در این قیاس‌ها

اولاً، نکته‌ی عیسی در اینجا این است که در پاسخ به ایده‌ی تقسیم‌داری‌ها، ممکن است افرادی در حال فکر کردن باشند، افرادی در میان حضار، فراتر از کسی که این سوال را مطرح کرده است، شاید به این فکر کنند که چه چیزی در زندگی از همه مهم‌تر است، و بنابراین نگران زندگی باشند. در بحث واقعی کلاس درس من در مورد موعظه‌ی بالای کوه متی، دوست دارم نموداری را روی صفحه نمایش دهم که نشان می‌دهد، ۸٪ تنها ۸٪ از چیزهایی که ما نگرانشان هستیم، واقعاً چیزهایی هستند که ارزش نگرانی ما را دارند. و از این ۸٪ را ما کنترل داریم و ۴٪ را کنترل کمی بر آنها داریم ۴٪.

بنابراین، تصور کنید که ۹۲٪ از چیزهایی که ما در موردشان مضطرب هستیم، چیزهایی کاملاً ساختگی هستند. ما آنها را در تخیل خود خلق می‌کنیم. ما خودمان را به دردسر می‌اندازیم.

ما زیاد عرق می‌کنیم. به خودمان می‌گوییم که روی چیزهایی که کنترلی روی آنها نداریم، کنترل داریم. و بعد می‌رویم، می‌رویم، می‌رویم، می‌رویم، می‌رویم، می‌رویم، می‌رویم.

ما خودمان را به هم می‌ریزیم. گاهی اوقات این باعث نابودی بسیاری از چیزهای اطرافمان می‌شود. بگذارید حواسمان با زندگی عادی و شرایط زندگی پرت شود.

منی‌خواهم به خانه‌ات فکر کنی. نمی‌خواهم به اتفاقاتی که در زندگی مشترکت با بچه‌هایت می‌افتد، چیزهایی که امروز تو را می‌ترساند، وضعیت سلامتی‌ات فکر کنم. نمی‌خواهم حتی یک دقیقه هم به این چیزها فکر کنی.

می‌خواهم مستقیماً به نکته‌ی عیسی بپردازم. عیسی گفت، نگران نباش. به عنوان یک شاگرد در مورد زندگی، در مورد زیستن، زیستن چیزی است که من و تو کنترلی بر آن نداریم.

ما می‌توانیم هر لحظه بیفتیم. من در چنین موقعیت‌هایی زندگی کرده‌ام. به عنوان یک کشیش، نوجوانانی را به خاک سپرده‌ام.

و من افرادی را در دهه بیست زندگی‌شان دفن کرده‌ام. و افرادی را کمی مسن‌تر. شرایط و موقعیت‌هایی که عمر افراد را کوتاه می‌کنند، متفاوت است.

ما بر زندگی کنترلی نداریم. عیسی می‌گوید، به عنوان یک شاگرد نگران زندگی نباشید. خدا بر آن کنترل دارد.

می‌بینید، آن زمین‌دار احمق فکر می‌کرد که کنترل زندگی را در دست دارد. او می‌گوید، من این را سازماندهی می‌کنم، و سازماندهی می‌کنم، و بیشتر جمع می‌کنم. و بعد وقتی بیشتر جمع کردم، می‌نشینم و می‌گویم، می‌خواهم استراحت کنم.

می‌رم به کم استراحت کنم. قراره کلی خوش بگذروم. صبر کن.

آینده در دستان شما نیست. عیسی گفت، حتی نگران آنچه می‌خورید یا آنچه می‌پوشید نباشید. در برخی از نقاط جهان، این درست است، همانطور که در دنیای باستان نیز صادق بود، اینکه مردم روزانه چه می‌خورند یک چالش بود.

اینکه مردم برای گرم نگه داشتن خود و پوشاندن برهنگی خود چه لباسی می‌پوشیدند، آسان به دست نیامد. در دنیایی که اکنون در آمریکا از آن یاد می‌کنیم، مشکل ما این است که نگران این هستیم که چه بپوشیم، نه به این دلیل که به اندازه کافی نداریم، بلکه به این دلیل که انتخاب‌های زیادی داریم. نگران این هستیم که چه بخوریم، نه به این دلیل که چیزی برای خوردن نداریم، بلکه به این دلیل که خیلی زیاد غذا داریم.

و ما می‌بینیم که وقتی بیش از حد غذا برای خوردن داریم و نگران آنها هستیم، آنها به همان اندازه کسانی که غذا ندارند و نگران آنها هستند، ما را نابود می‌کنند. بنابراین مقیاس اضطراب ما می‌تواند یکسان باشد. عیسی گفت، نگران این نباشید.

می‌دونی، فکر کنم حدود یک سال و نیم پیش بود، یکی از مهم‌ترین کلماتی که تو برزیل یاد گرفتم رو یاد رو tranquillo هست. من این کلمه رو دوست دارم. من صدای لاتین tranquillo گرفتم، و اون کلمه دوست دارم.

وقتی یک برزیلی می‌خواهد بگوید، آرام باشید، آرام باشید، نگران نباشید. اگر شما شاگرد عیسی هستید می‌گوید، به خدا توکل کنید. مشاهده چگونگی عملکرد خدا در طبیعت نکته مهمی است که عیسی می‌خواهد در اینجا ارائه دهد، اینکه پرندگان، موجودات زنده‌ای که برای زندگی به غذا نیاز دارند، پرندگانی که باید از مکانی به مکان دیگر پرواز کنند، پرندگانی که انسان‌ها آنها را می‌بینند و تحسین می‌کنند، پرندگانی که صدا و آواز آنها را انسان‌ها می‌توانند بشنوند و از آن لذت ببرند، آنها برای انجام کاری که از آنها انتظار داریم یا آنچه از آنها انتظار داریم، ظاهر می‌شوند، نه به این دلیل که ما خیلی از آنها مراقبت می‌کنیم، بلکه به این دلیل که کسی از آنها مراقبت می‌کند.

طبیعت از آنها مراقبت می‌کند. در ذات این تمثیل، خداوند وجود دارد که از آنها مراقبت می‌کند. به همین ترتیب، مشاهده از طبیعت نیز به ما یادآوری می‌کند که خداوند حتی از گل‌ها نیز مراقبت می‌کند.

به همین دلیل، عیسی می‌توانست بگوید، به خدا توکل کن. به خدا توکل کن. و در نکته پایانی خود در این جلسه خاص، می‌بینید که عیسی در آیه ۲۹ از فصل ۱۲ می‌گوید، دنبال این نباشید که چه بخورید یا چه بنوشید، و نگران نباشید.

زیرا همه ملت‌ها، آن کلمه که به ملت‌ها ترجمه شده است، می‌تواند به غیریهودیان نیز ترجمه شود، همه ملت‌های جهان به دنبال این چیزها هستند. و پدر شما، به زبان خویشاوندی توجه کنید، پدر شما می‌داند که شما به آنها نیاز دارید. در عوض، این چیزی است که شما باید جستجو کنید: پادشاهی او را جستجو کنید، و این چیزها به شما اضافه خواهد شد.

که اکنون برای اضطراب به کار می‌رود، کلمه‌ای است که به marim و سپس، به جای اضطراب، کلمه معنای نگرانی، کلمه‌ای برای ترس، کلمه‌ای برای اضطراب است. به جای نگرانی و زندگی در ترس، او اکنون می‌گوید، نترسید، ای گله‌ی کوچک، زیرا خشنودی پدرتان این است که پادشاهی را به شما عطا کند. عیسی به مخاطبان یادآوری می‌کند که شاگردی واقعی در امور مربوط به دارایی و گنجی که خدا فراهم می‌کند، مستلزم چیست.

خدا کسی است که می‌تواند آنچه را که پایدار است، آنچه را که به زندگی معنای واقعی می‌بخشد، فراهم کند. او کسی است که شما به دنبالش هستید، حتی آن خدایی که قادر به مراقبت از همه چیز، از جمله پرندگان و گل‌ها است. اگر این خدایی است که ما به آن ایمان آورده‌ایم و واقعاً به آن خدا اعتماد کرده‌ایم، پس عیسی به مخاطبان یادآوری می‌کند که اینها چیزهایی هستند که غیریهودیان به دنبال آن هستند، آنها نگران این هستند که چه بخورند و چه بنوشند و همه چیز، زیرا آنها چنین خدایی را ندارند که قادر مطلق، قادر مطلق، قادر به فراهم کردن و جایی باشد که بتوانند ایمان خود را به آینده بسپارند.

با این حال، برخلاف متی، وقتی عیسی در مورد اینکه چه چیزی را جستجو کنیم و چه چیزی را دنبال کنیم صحبت می‌کند، می‌گوید که پادشاهی را جستجو کنید. در متی ۶، در روایت متی، متی ۷ بر فراز کوه، متی ۸، آن را اینگونه ترجمه می‌کند که ابتدا پادشاهی خدا و عدالت او را جستجو کنید. در اینجا، او می‌گوید پادشاهی را جستجو کنید.

اما مبادا اشتباه کنیم که اینجا چه اتفاقی می‌افتد، لوقا در واقع می‌گوید که پادشاهی، سلطنت خداست. سلطنت خدا، حکومت خداست. سلطنت خدا زمانی فرا می‌رسد که مردم خدا را به فضای خود و به موقعیت خود دعوت می‌کنند و این مستلزم تسلط بر موقعیت است.

و اگر خدا بر اوضاع مسلط شود، آنچه را که برای مردم و شرایط لازم است، فراهم می‌کند. می‌بینید پادشاهی را جستجو کنید، و او می‌گوید اگر سلطنت خدا را جستجو کنید، همه این چیزها به شما اضافه خواهد شد. چیزهایی که نگران‌شان هستید، دارایی‌های مادی، چیزهایی که می‌خواهید بخورید و بنوشید چیزهایی که کسی را در مورد توزیع ارث نگران می‌کند، همه اینها، دارایی‌ها و چیزهای دیگر، به شما داده خواهد شد.

اما در اینجا قلب روحانی عیسی نمایان می‌شود. او رو به جمعیت می‌کند و می‌گوید نترسید. عبارت «گله کوچک» این تصویر از یک چوپان مهربان برای گوسفندان را تداعی می‌کند.

ای گله‌ی کوچک من، نترسید. خواهش می‌کنم، آیا می‌فهمید؟ آیا می‌دانید که این خشنودی پدر شماست، که پدرتان با کمال میل آنچه را که نیاز دارید برایتان فراهم می‌کند؟ تنها چیزی که نیاز دارید این است که برای تأمین مایحتاجتان به او اعتماد کنید. می‌بینید، وقتی عیسی این تعلیم را داد، به نکته‌ای رسید که به نظر من نکته‌ی بسیار بسیار مهمی در پایان دادن به این بحث در مورد دارایی‌ها و مایحتاج است.

اصل مطلب، آیات ۳۳ و ۳۴ از فصل ۱۲. دارایی‌هایتان را بفروشید. اگر کسی سهمی از دارایی‌ها را بخواهد، می‌گوید نه.

برعکس، بروید و دارایی‌هایتان را بفروشید. به نیازمندان بدهید. انبار نسازید.

برای خود انبار نسازید. پولی برای خود فراهم کنید که کهنه نشود، گنجی در آسمان که از بین نرود، جایی که هیچ دزدی به آن نزدیک نشود و هیچ بیدی آن را نابود نکند. زیرا هر جا گنج شما باشد، دل شما نیز آنجا خواهد بود.

عیسی مسیح ما را به جایگزینی حرص و طمع فرا می‌خواند. به جای سخاوت. به جای دریافت کردن، به جای گرفتن، به جای به دست آوردن، آنچه را که دارید، ببخشید.

او حتی ادامه می‌دهد که بفروش، رها کن، از آن دارایی‌ها دست بکش، و آنچه داری را ببخش. برای کمک به دیگران. زیرا چالش این است.

چیزی را جستجو کنید که ارزش ابدی دارد، زیرا خدایی که آینده شما در دستان اوست، همان خدایی است که قادر است تمام نیازهای شما را برآورده کند. و این جلسه را با نقل قولی از جوئل گرین در تفسیرش بر انجیل لوقا به پایان می‌برم که فکر می‌کنم خلاصه‌ای از موضوع اصلی در اینجا است.

گرین می‌نویسد، بنابراین، جستجوی پادشاهی معادل دل سپردن به پادشاهی است. پیامد این جهت‌گیری زندگی این است که این یک گنج آسمانی است که نه تابع مقتضیات وجود زمینی است و نه با مداخله غیرمنتظره خداوند به خطر می‌افتد. همانطور که به این سخنرانی‌ها گوش می‌دهید، نمی‌دانم در رابطه‌تان با دارایی‌ها در چه وضعیتی هستید.

اما می‌خواهم شما را تشویق کنم تا اولویت‌های پادشاهی که عیسی در لوقا مطرح می‌کند را درک کنید. همچنین، در پس ذهنتان، به یاد داشته باشید که قبلاً اشاره کردم لوقا خطاب به نخبگان جامعه می‌نویسد که او از آنها به عنوان ست تئوفیلوس یاد می‌کند. او به تئوفیلوس یادآوری می‌کند که جایگاه و دارایی می‌تواند چه معنایی داشته باشد، زیرا تئوفیلوس در مورد تمام این ملاقات‌ها با عیسی و آموزه‌های عیسی برای بسیاری از مردم می‌خواند.

اگر قرار باشد این آموزه‌ها را در زندگی امروزمان به کار ببرم، شاید بخواهم از شما بپرسم که اولویت‌های شما در امور مربوط به دارایی چیست. تمایل و تلاش شما برای به دست آوردن چیزها. آیا واقعاً به خدا اعتماد دارید که از شما مراقبت کند؟ من در یک شهر کوچک، که دوست دارم آن را روستا بنامم، در کاتانگا در بخش شمالی یک منطقه جدید، منطقه‌ای جدید در غنا که اکنون منطقه اوتی نامیده می‌شود، بزرگ شدم.

من از این امتیاز برخوردار بودم که در خانواده‌ای بزرگ شدم که وضع مالی بسیار بهتری نسبت به ۹۹ درصد مردم داشت. اما همچنین مفتخر بودم که شاهد زندگی یک خانواده کامل باشم که ممکن است با کمتر از ۱ دلار در روز زندگی کنند. من توانستم همکلاسی‌های خودم را، به خصوص در مدرسه ابتدایی، ببینم که برخی از آنها پابرهنه به مدرسه می‌آیند.

و با این حال، شادی‌ای که دارند. و با این حال، آنها حس رضایت دارند. و من این سعادت را داشته‌ام که به جاهایی سفر کنم و زندگی کنم که اقتصاد بهتر است و مردم در شرایط بسیار بسیار بهتری زندگی می‌کنند.

من متوجه شده‌ام که دارایی‌های مادی ممکن است مهم باشند، اما معادل یک زندگی شکوفا نیستند. سوال مرد از میان جمعیت این است که عیسی به اجرای قانون کمک کند تا بتواند سهم خود را از ارث دریافت کند. عیسی طمع را دیده، این معنای ضمنی آن است، و یک تمثیل آورد و متعاقباً تأکید کرد که مردم باید نگران چه چیزی باشند.

به عبارت دیگر، آنچه مردم باید در جستجوی آن باشند. او من و شما را فرا می‌خواند تا پادشاهی و سلطنت او را جستجو کنیم. زیرا اگر چنین کنیم، خدایی که نیازهای طبیعت، پرندگان و گل‌ها را تأمین می‌کند، نیازهای ما را نیز برآورده خواهد کرد.

او ما را دعوت می‌کند تا با او بیاییم. ما متوجه می‌شویم که اگر بتوانیم قلب‌هایمان را در جای درست قرار دهیم و گنج خدا را جستجو کنیم، آن گنجی خواهد بود که ماندگار خواهد بود. این گنجی است که به زندگی ما کمال می‌بخشد.

خداوند شما را برکت دهد و حفظتان کند. باشد که خداوند به شما انرژی دوباره ببخشد و به شما و من این اشتیاق را بدهد که او را بیشتر بشناسیم و پیروان وفاداری باشیم که اجازه نمی‌دهیم طمع، زندگی حقیقی که او ارائه می‌دهد را از ما بگیرد. از اینکه به حرف‌های من گوش دادید متشکرم و خداوند شما را حفظ کند.

:این دکتر دانیل دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه 20، دارایی و تدارکات، لوقا 12 است. 13-34